Journal of Research in Psychological Health

May 2023, Volume 17, Issue 1

Identifying the basic components in the formation of self-differentiation: A qualitative study

Salar Seyyed Majidi[1], Keyvan Salehi [*2], Yaser Madani[3], Somayeh Shahmoradi[4]

1. Ph.D student in counseling at Aras International Campus, University of Tehran, Iran

2. Associate Professor, Department of educational methods and programs, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Iran, keyvansalehi@ut.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Educational Psychology and Counseling, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Educational Psychology and Counseling, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Iran.

Citation: Seyyed Majidi S, Salehi K, Madani Y, Shahmoradi S. Identifying the basic components in the formation of self-differentiation: A qualitative study. **P**sychological **H**ealth. 2023; 19 (1):15-30 [Persian].

Key words
Differentiation of self; Formation; Qualitative research; Self-differentiation, The systematic design of grounded theory.

Abstract

Self-differentiation is a contextual and cultural phenomenon and dependent on environmental and social conditions that is formed and experienced in a dynamic process under the influence of various conditions and factors. Considering this issue, the question was raised, what are the basic components in the formation of self-differentiation? For this purpose, the qualitative approach, the systematic design of grounded theory at the level of conceptual ordering has been used. Through theoretical sampling and according to theoretical saturation, 17 people were interviewed. Data analysis was done using the first stage of Strauss and Corbin's coding method. After data analysis, 112 primary codes were identified, then in the process of integration and comparison, 28 subcategories and 3 categories were formed, which are: intellectual independence, identity seeking and social dignity. The obtained findings show that self-differentiation emerges and flows in the form of independent and unique thoughts, behaviors and attitudes along with identity seeking and social dignity. As a result, in the formation of self-differentiation, the basic components are mainly experienced as intellectual independence, but identity seeking and social dignity are another part of these components that are experienced in Iranian culture. The findings of the present study, in addition to enriching national knowledge and guidance for future researches, provided a deeper understanding of this psychological characteristic in the cultural context, which can also have special practical consequences in counseling and family therapy with regard to multicultural issues.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1402.17.1.2.6]

شناسایی مؤلفه‌های زیربنایی در شکل‌گیری تمایزیافتگی خود: یک مطالعهٔ کیفی

سالار سیدمجیدی[۱]، کیوان صالحی*[۲]، یاسر مدنی[۳]، سمیه شاهمرادی[۴]

۱. دانشجوی دورهٔ دکتری تخصصی رشتهٔ مشاوره، پردیس بین‌المللی ارس دانشگاه تهران، ایران

۲. دانشیار، گروه روش‌ها و برنامه‌های درسی و آموزشی، دانشکدهٔ روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، ایران keyvansalehi@ut.ac.ir

۳. استادیار، گروه روان‌شناسی تربیتی و مشاوره، دانشکدهٔ روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، ایران

۴. استادیار، گروه روان‌شناسی تربیتی و مشاوره، دانشکدهٔ روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، ایران

تاریخ دریافت
۱۴۰۲/۱/۱۴

تاریخ پذیرش نهایی
۱۴۰۲/۳/۱۴

واژگان کلیدی
پژوهش کیفی، تمایزیافتگی خود، خودمتمایزسازی، شکل‌گیری، طرح نظام‌مند نظریهٔ برخاسته از داده‌ها.

چکیده

تمایزیافتگی خود، پدیده‌ای بافتارمند، فرهنگی و وابسته به شرایط محیطی و اجتماعی است که در فرآیندی پویا و تحت تأثیر شرایط و عوامل مختلفی شکل گرفته و تجربه می‌شود. با توجه به همین موضوع، این پرسش مطرح شد که مؤلفه‌های زیربنایی در شکل‌گیری تمایزیافتگی خود چیست؟ بدین منظور از رویکرد کیفی، طرح نظام‌مند نظریهٔ برخاسته از داده‌ها در سطح نظم‌دهی مفهومی بهره‌گیری شد. داده‌ها با استفاده از مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافته گردآوری شد و با توجه به اصل اشباع داده‌ها، در هفدهمین مصاحبه اشباع داده‌ها بدست آمد. تحلیل داده‌ها با استفاده از مرحلهٔ اول شیوهٔ کدگذاری استراوس و کوربین انجام شد. پس از تحلیل داده‌ها، ۱۱۲ کد اولیه شناسایی شد، سپس در فرآیند ادغام و مقایسه، ۲۸ زیرمقوله تدوین‌شده و در قالب ۳ مقولهٔ اصلیِ استقلال فکری، هویت‌طلبی و منزلت اجتماعی دسته‌بندی و معرفی گردید. یافته‌ها نشان می‌دهند که تمایزیافتگی خود، به شکل افکار، رفتارها و نگرش‌های مستقلانه و منحصر به فرد به همراه هویت‌طلبی با تأکید بر توانمندی‌ها و منزلت اجتماعی و رفتارهای مقتضی پدیدار شده و جریان می‌یابد. در نتیجه، در شکل‌گیری تمایزیافتگی خود، مؤلفه‌های زیربنایی عمدتاً به صورت استقلال فکری تجربه می‌شود اما هویت‌طلبی و منزلت اجتماعی بخشی دیگری از این مؤلفه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند که در فرهنگ ایرانی تجربه می‌شوند. نتایج مطالعهٔ حاضر علاوه بر غنی‌سازی دانش بومی و راهنمایی برای پژوهش‌های آتی، شناخت عمیق‌تر این ویژگی روان‌شناختی را در بستر فرهنگی فراهم نمود که می‌تواند پیامدهای عملی ویژه‌ای نیز در مشاوره و خانواده‌درمانی با توجه به مباحث چندفرهنگی داشته باشد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1402.17.1.2.6]

مقدمه

تمایزیافتگی، مفهومی است که به طیف وسیعی از علوم مرتبط است؛ این مفهوم از اصطلاحات زیست‌شناختی مشتق شده است، به این معنی که سلول‌های یک موجود زنده پس از تقسیم، عملکردهای مرتبط اولیهٔ خود را به چه صورت حفظ و متمایز می‌کنند (رو وانگ، ۲۰۱۹). در کنار علوم زیستی و تجربی، در حیطهٔ علوم اجتماعی و رفتاری نیز برای آن دسته از رشته‌هایی که با عملکرد هیجانی و روان‌شناختی انسان در ارتباط هستند، تمایزیافتگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تمایزیافتگی خود به عنوان یک جنبهٔ محوری در فرآیند رشد هیجانی انسان در نظر گرفته شده است و در واقع، اظهار شده است که رشد هیجانی سالم بر توانایی فرد در تمایز دادن خود به عنوان «خویشتنی» جدا از دیگران استوار است (ییلدیز، ۲۰۲۳). در این فرآیند متمایز شدن، حفظ صمیمیت و دستیابی به فردیت نیروی محرکهٔ رفتار انسان محسوب می‌شود، اولی انسان را به جستجوی ارتباطات اجتماعی و عاطفی با دیگرانِ مهم برای اطمینان از بقا سوق می‌دهد، در حالی که دومی فرد را به سوی خودمختاری، استقلال و جلوگیری از مخدوش شدن مرزهایش با دیگران می‌کشاند و در این میان، دستیابی به تعادلی مناسب به موضوع اصلی هر شخص تبدیل شده است (آی‌زیگ‌یونگ، ۲۰۱۴).

مفهوم تمایز در مبانی نظری عمدتاً با مفاهیمی همچون تمایزیافتگی روان‌شناختی، فردیت یا تفرد به جای هم و مترادف همدیگر به کار می‌روند؛ مفاهیم مذکور توسط نظریه‌پردازانی همچون هرمان ویتکین، کارل یونگ و مارگارت ماهلر مفهوم‌پردازی شده‌اند که هر چند در ظاهر مترادف به نظر می‌رسند اما در بررسی این نظریه‌ها مشخص می‌شود که مفهوم تمایزیافتگیِ خود، بیشتر به آنچه که در نظریهٔ موری بوئن مطرح شده است، اطلاق می‌گردد (بولاندر، ۱۹۹۵). بر طبق نظریهٔ نظام‌های خانواده که از اصلی‌ترین رویکردهای خانواده‌درمانی به شمار می‌رود و توسط بوئن مطرح شده است، سلامت روان هر انسان به برخورداری او از هر دو حس تعلق داشتن و متمایز بودن مرتبط است(کالاتراوا و همکاران، ۲۰۲۲)؛ به عبارتی، تمایزیافتگی به عنوان فرآیندی پویاست که از لحاظ بین فردی در بطن روابط اعضای خانواده قرار می‌گیرد (اسکورون و همکاران، ۲۰۱۰) و این گونه شرح داده می‌شود که نشان‌دهندهٔ میزان توانایی شخص در تفاوت قائل شدن میان فرآیندهای عقلانی و هیجانی است؛ بدین معنی که تمایزیافتگی خود رسیدن به میزانی از استقلال عاطفی است که شخص بتواند در موقعیت‌های هیجانی بدون غرق شدن در فضای آن موقعیت‌ها، به صورت عقلانی و مستقلانه تصمیم بگیرد (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۱۹). به اعتقاد بوئن تمایزیافتگی خود هم‌سنگ سلامت روانی در نظر گرفته می‌شود (نیکولز، ۲۰۱۳) و هدف اصلی آن، توازن میان احساسات و شناخت است؛ تمایز در معنای بوئنی آن، بیشتر یک فرآیند است تا هدفی دست‌یافتنی؛ به‌عبارت دیگر، تمایزیافتگی در حکم مسیر زندگی است نه اینکه یک حالت وجودی یا بودن باشد و از دیدگاه بوئن در اوایل بزرگسالی تا حدودی به تثبیت می‌رسد (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۱۳).

همچنین شایان ذکر است که تمایزیافتگی خود، مفهومی‌ست که از فرهنگی فردگرا نشأت گرفته است و به صورت کلی با استقلال و خودمختاری فرد شناخته می‌شود؛ به اعتقاد فیلیپ آر.شاور تمایزیافتگی خود، در چارچوبی غربی و آمریکایی مفهوم‌پردازی شده است که با توجه به فرهنگ فردگرای غرب لحاظ کردن آن در فرهنگ‌های جمع‌گرا و شرقی نیاز به تأمل و تفحص بیشتری دارد (فایرستون و همکاران، ۲۰۲۳). در حالی که در فرهنگ‌های جمع‌گرا به جای استقلال فردی و خود-پیروی، به رابطهٔ شخص با دیگران و به ویژه با اعضای خانواده‌اش و پیگیری و هماهنگی با اطرافیان توجه بیشتری می‌شود؛ مردم در جوامع جمع‌گراتر تمایل به اطاعت بیشتر و در نظر گرفتن دیگران دارند و مرزهای بین فردی نفوذپذیر هستند و فاصله‌ها به اندازهٔ کافی واضح نیست (والتر و همکاران، ۲۰۲۱). در فرهنگ‌های جمع‌گرا، ارزش و معنای وجودی فرد از گروهی نشأت می‌گیرد که به آن تعلق دارند و آن هم مستلزم

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1402.17.1.2.6]

امتزاج و پایبندی به روابط هیجانی با دیگران و بخصوص اعضای خانوادهٔ شخص هست، در صورتی که در توصیف تمایزیافتگی خود به فرآیندهای فکری و حفظ عقلانیّت و عینیت شخص از اطرافیان‌اش تاکید بیشتری می‌شود (شنله و همکاران، ۲۰۲۳). با بررسی مطالعات مختلف داخلی و خارجی مشخص می‌شود که تمایزیافتگی خود سازه‌ای بسته به فرهنگ و زمینهٔ اجتماعی است (نارایان و سریرام، ۲۰۲۳؛ رودریگو-گنزالز و همکاران، ۲۰۲۰؛ نیلاب و همکاران، ۱۳۹۷). از طرفی، اکثر پژوهش‌ها پیرامون تمایزیافتگی خود نیز در کشور آمریکا انجام گرفته‌اند (کالاتراوا و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین درمانگران اتفاق‌نظر دارند که زمینهٔ فرهنگی و قومی می‌تواند بر نحوهٔ تفکر، احساس، رفتارها و روابط تأثیر بسزایی داشته باشد (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۱۳). سازهٔ تمایزیافتگی خود نیز همان‌طور که در سطور فوق مطرح شد، مانند بسیاری از کیفیات و ویژگی‌های روان‌شناختی هم در درونِ روان و هم در روابط میان افراد و اعضای خانواده در جریان است، خانواده‌ای که خود به عنوان یک خرده‌فرهنگ در بستر بزرگ‌تر اجتماعی قرار دارد (تالمون و همکاران، ۲۰۲۰). از این رو، بهره‌گیری از آگاهی چند فرهنگی در تمام جنبه‌های حرفه‌های یاریگرانه با حساسیت به ارزش‌ها، باورها، تجارب زیسته، قومیت و نژاد، جنسیت، تجارب تاریخی و اجتماعی درون‌فرهنگی و سبک زندگی مراجعه‌کنندگان هر چه بیشتر فعالیت درمانی و مشاوره‌ای را غنا می‌بخشد (تامپسون، ۲۰۰۹) و آشکار می‌شود که مطالعه و شناخت کیفیات روان‌شناختی انسان‌ها در جامعه و در نظر گرفتن آن در مراجعان و درمانجویان از سوی مشاوران و خانواده‌درمانگران به چه میزانی حائز اهمیّت و ضروری است. بر اساس آنچه که مطرح شد، اول اهمیت تمایزیافتگی خود روشن شده و دوم خلاء نظری و پژوهشی در این حوزه معین گشت؛ به این ترتیب و با آگاهی از مزایای فردی، ارتباطی، خانوادگی و اجتماعی تمایزیافتگی خود، در مطالعهٔ حاضر تلاش گردید تا به این سوال پژوهشی که مؤلفه‌های زیربنایی در شکل‌گیری تمایزیافتگی خود چیست، پاسخ داده شود.

روش

الف) طرح پژوهش: به منظور یافتن پاسخ به پرسش پژوهش و با هدف شناخت دقیق و عمیق مؤلفه‌های زیربنایی در شکل‌گیری تمایزیافتگی خود و همچنین به دلیل اهمیت زیاد تمایزیافتگی خود در سلامت روان و در حیطهٔ مشاوره و روان‌درمانی به‌ویژه در خانواده‌درمانی و فقدان نتایج و یافته‌هایی بومی در این موضوع، پژوهشگران را بر آن داشت تا با استفاده از سطح تحلیل نظم‌دهی مفهومی در روش نظریهٔ برخاسته از داده‌ها، مؤلفه‌های زیربنایی در شکل‌گیری تمایزیافتگی خود را شناسایی و معرفی کنند. وقتی دانش یا نظریه‌های موجود به تبیین چنین فرآیندی نمی‌پردازند، به کمک روش مذکور می‌توان دربارهٔ وقوع فرآیند مد نظر یا مشکل و یا افراد مورد مشاهده، پژوهش انجام داد (بازرگان، ۱۳۹۷). حصول چنین یافته‌هایی که مستخرج از داده‌ها باشند، بیشتر امکان دارد به واقعیت نزدیک باشد تا نظریه‌ای که با کنار هم چیدن تعدادی مفهوم، پیش‌فرض یا حدس و گمان شکل گرفته است (استراوس و کربین، ۲۰۲۱؛ دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶).

ب) میدان پژوهش و نمونه: میدان مورد مطالعه در این پژوهش را شهروندان ساکن تبریز در زمستان سال ۱۴۰۱ شمسی و با توجه به ملاک‌های ورود به پژوهش تشکیل دادند. ملاک‌های ورود عبارت بودند از: تمایل و رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش، زندگی با خانواده، متأهل بودن، دارا بودن مدرک تحصیلی و ملاک‌های خروج از پژوهش نیز این موارد بودند: درخواست شرکت‌کننده برای خروج از تحقیق، عدم همکاری در پاسخ‌گویی، ارائهٔ پاسخ‌های نامرتبط، احراز داده‌های نامرتبط در زمان تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها. همچنین در این پژوهش از روش نمونه‌گیری نظری بهره گرفته شد؛ منظور از نمونه‌گیری نظری، آن است که پژوهشگر اَشکالی از جمع‌آوری داده‌ها را انتخاب می‌کند که متن و داده‌های قابل استفاده در تدوین نظریه را فراهم کند؛ به عبارت دیگر، نمونه‌گیری هدفمند بوده و تمرکز آن بر تدوین نظریه است. در ابتدای فرآیند گردآوری داده‌ها، نمونه‌گیری بیشتر هدفمند بوده

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1402.17.1.2.6]

و با پیش‌روی فرآیند پژوهش و تحلیل و مقایسه، نمونه‌گیری بیشتر جهت‌گیری نظری می‌یابد (فلیک، ۲۰۱۷).

قاعدهٔ کلی در ارتباط با نمونه‌گیری و حجم نمونه بدین‌گونه است که فرآیند مذکور تا زمانی ادامه می‌یابد که همهٔ مقوله‌ها به اشباع و کفایت رسیده باشند (آلدیابات و ناونیک، ۲۰۱۸)؛ یعنی تا زمانی که هیچ دادهٔ جدید یا مرتبط با یک مقوله حاصل نشود، مقوله‌ها از نظر غنا و ویژگی‌ها به خوبی توسعه یافته باشند و گوناگونی‌ها را به نمایش بگذارند و همچنین مناسبات و روابط میان مقوله‌ها به خوبی مشخص و واضح و اعتبارشان ثابت شده باشد. بنابراین در پژوهش حاضر رسیدن به اشباع نظری تعیین‌کنندهٔ حجم نمونه بود که ۱۷ نفر را شامل شد. شرکت‌کنندگان را ۱۰ نفر زن و ۷ نفر مرد تشکیل دادند، همچنین میانگین سنی آن‌ها در محدودهٔ ۳۵ سالگی قرار داشت. نکتهٔ قابل ذکر این است که برای کسب رضایت آگاهانه، دریافت اطلاعات جمعیت‌شناختی و ارائهٔ برگه‌های مربوطه قبل از گردآوری داده‌ها اقدام می‌شد. به دلیل رعایت اخلاق در پژوهش، در جدول زیر از آوردن نام شرکت‌کنندگان اجتناب شده است و به ذکر برخی ویژگی‌های کلی جمعیت‌شناختی آن‌ها اکتفا شده است. علاوه بر این موارد، برای هر شرکت‌کننده یک کد اختصاصی و محرمانه در نزد مجری پژوهش در نظر گرفته شد و در مراحل بعدی پژوهش صرفاً از آن کد استفاده شد. در استفاده از داده‌ها و یافته‌های حاصل شده از تحلیل آن‌ها و همچنین در انتشار اصطلاحات، نمونه روایت‌ها و مقوله‌ها در ارائهٔ یافته‌ها نیز با توجه به تعهدات کمیتهٔ اخلاق در پژوهش دانشگاه هیچ گونه اطلاعات هویتی و جمعیت‌شناختیِ افشاکننده منتشر نشده است.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان

ردیف	جنسیت	سن	شغل	میزان تحصیلات	مدت زمان ازدواج	تعداد فرزندان
۱	مذکر	۳۶	مهندس (پتروشیمی)	دکتری تخصصی	۴ سال	۱
۲	مؤنث	۳۶	مسئول فنی داروخانه	داروسازی	۱۴ سال	۲
۳	مذکر	۳۸	حسابدار	کارشناسی ارشد	۱۰ سال	۳
۴	مذکر	۳۷	وکالت	کارشناسی ارشد	۶ سال	۱
۵	مؤنث	۳۲	کارمند (بخش غیردولتی)	کارشناسی ارشد	۵ سال	۱
۶	مؤنث	۳۴	معلم (بخش دولتی)	کارشناسی ارشد	۸ سال	۲
۷	مذکر	۳۲	آزاد	کارشناسی	۳ سال	۰
۸	مؤنث	۴۲	پرستار	کارشناسی ارشد	۱۳ سال	۲
۹	مؤنث	۳۲	مربی (بخش غیردولتی)	کارشناسی	۹ سال	۱
۱۰	مؤنث	۳۳	کارشناس آزمایشگاه تشخیص طبی	کارشناسی ارشد	۵ سال	۱
۱۱	مذکر	۳۸	کارمند (بانک)	کارشناسی ارشد	۷ سال	۲
۱۲	مؤنث	۳۷	چشم پزشک	دکتری تخصصی	۹ سال	۲
۱۳	مذکر	۴۲	معلم (بخش دولتی)	کارشناسی ارشد	۱۳ سال	۲
۱۴	مذکر	۳۶	کارمند (بخش دولتی)	کارشناسی	۴ سال	۱
۱۵	مؤنث	۳۰	کسب و کار شخصی	کارشناسی ارشد	۵ سال	۰
۱۶	مؤنث	۳۷	کارمند (بخش دولتی)	کارشناسی	۱۴ سال	۳
۱۷	مؤنث	۳۲	اشتغال غیر رسمی و پاره‌وقت	کارشناسی ارشد	۵ سال	۱

ج) نحوهٔ جمع‌آوری داده‌ها: به منظور گردآوری داده‌ها از فن مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافته بهره گرفته شد. در مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته به مشارکت‌کننده آزادی عمل بیشتری داده می‌شود تا راحت‌تر پیرامون موضوع گفت‌وگو کند. همچنین داده‌های جمع‌آوری شده توسط این‌گونه مصاحبه‌ها به عنوان قدرتمندترین شیوهٔ تلاش جهت درک همنوعان‌مان توصیف شده‌است (بنی‌اسدی و صالحی، ۱۳۹۸). در جمع‌آوری داده‌ها از طریق چنین مصاحبه‌هایی، مصاحبه‌گر فهرستی از سوال‌ها را به

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1402.17.1.2.6]

همراه دارد که تا حدودی به او اجازه می‌دهد تا پاسخ‌گویی به سوالاتی که از مسیر خود خارج شده و سوالات جانبی مرتبط در حین مصاحبه را تولید کند؛ در این گونه مصاحبه‌ها این انعطاف‌پذیری وجود دارد که پژوهشگر می‌تواند با توجه به پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به تنظیم سوالات بپردازد (سرمد و همکاران، ۱۳۹۶). در کل ۲۲ مصاحبه اجرا شد که ۲ مورد از آن‌ها مصاحبه‌های آزمایشی بودند و جزء مصاحبه‌های نهایی قرار نگرفتند و صرفاً جهت بررسی روایی پروتکل مصاحبه بر اساس فهرست‌وارسی روایی پروتکل مصاحبه انجام شدند (کاستیلو-مونتویا، ۲۰۱۶)؛ همچنین ۳ مورد از مصاحبه‌ها به علت داده‌های پرت و اطلاعات نامرتبط از فرآیند پژوهش حذف شدند. فرآیند اشباع داده‌ها به تدریج در مصاحبه‌های ۱۴ و ۱۵ آشکار شد و سپس ۲ مصاحبهٔ دیگر نیز اجرا شده و مورد تحلیل قرار گرفتند تا از اشباع نظری اطمینان بیشتری حاصل شود و در نهایت ۱۷ مصاحبهٔ اجرا و تحلیل شده، باقی ماندند. ۱۳ جلسهٔ مصاحبه به صورت حضوری انجام پذیرفت، ۳ جلسه از مصاحبه‌ها از طریق تماس تلفنی و یک جلسه هم به شکل تماس تصویری برگزار شد. جهت کسب اطلاعات بیشتر و توضیحات تکمیلی از ارسال پیام و مکاتبهٔ اینترنتی بهره گرفته شد. طولانی‌ترین جلسهٔ مصاحبه ۸۵ دقیقه و کوتاه‌ترین آن ۴۰ دقیقه بود؛ همچنین، مکان مصاحبه‌های حضوری نیز منزل و محل کار بود. تنظیم تاریخ، ساعت و محل یا نوع مصاحبه (حضوری یا مجازی) از قبل و با توافق مشارکت‌کننده و پژوهشگر به انجام می‌رسید. هر جلسهٔ مصاحبه در ابتدا با گفت‌وگوی روزمره و عادی شروع می‌شد و سپس به سوی پرسش‌گری از سوالات اصلی سوق پیدا می‌کرد؛ در میان جلسه جمع‌بندی و ارائهٔ بازخورد انجام می‌گرفت و در نهایت با تشکر از فرد شرکت‌کننده خاتمه می‌یافت.

د) تحلیل داده‌ها: در این روش، تحلیل داده‌ها همزمان با گردآوری آن‌ها انجام می‌گیرد و این دو فرآیند منفک از هم نیستند؛ پژوهشگر با تحلیل همزمان داده‌ها، برای گردآوری داده‌های بیشتر شناخت پیدا کرده و برای جمع‌آوری داده‌های بیشتر بعدی نیز تصمیم‌گیری می‌کند (کریمیان و همکاران، ۱۳۹۸). تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر با استفاده از کدگذاری باز انجام شد. در ابتدا داده‌های مصاحبه‌ای از طریق نوشتن دقیق آن‌ها به متن تبدیل شدند و مجدداً جهت بررسی بیشتر مورد بازبینی قرار گرفتند؛ در مرحلهٔ بعد، داده‌های به متن تبدیل‌شده در نرم‌افزار وُرد تایپ شدند و سپس فرآیند کدگذاری به صورت دستی در بستر برنامهٔ مذکور آغاز شد.

در ادامهٔ فرآیند کدگذاری، داده‌ها به پاره‌های مجزا خُرد شدند و با دقت مورد بررسی قرار گرفتند و از جهت شباهت‌ها و تفاوت‌ها با همدیگر مقایسه شدند. رویدادها، حوادث، رفتارها و کنش/واکنش‌هایی که از لحاظ مفهومی ماهیت یکسانی داشتند یا از نظر معنا به هم مرتبط بودند، ذیل مفهوم‌های انتزاعی‌تر که کد نامیده می‌شوند، قرار گرفتند. در این مرحله از کدگذاری پژوهش‌گر قصد داشت تا داده‌ها و پدیده‌ها را در قالب مفاهیم درآورد و به این دلیل است که در ابتدا داده‌ها از هم جدا و تقطیع شدند و به صورت کلمات منفرد یا مجموعه‌ای کوچک از چند کلمه تبدیل شدند تا بعداً بر اساس واحدهای معنایی دسته‌بندی شوند و مرتبط‌ها به یکدیگر ضمیمه شوند. این فرآیند در تحلیل داده‌ها تا شکل‌گیری و تدوین منظم کدها، زیرمقوله‌ها و مقوله‌ها ادامه پیدا کرد که به تفصیل در بخش یافته‌ها ارائه شده‌اند.

ه) اعتباریابی: در پژوهش‌های کیفی، اعتباربخشی به نتایج و یافته‌ها بخش فعالی از فرآیند پژوهش است؛ در خصوص ارتقای کیفیت، ارزیابی و به بیان سنتی آن، یعنی روایی و پایایی تحقیقات کیفی از رویکردهای مختلفی بهره گرفته می‌شود (محمدپور، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر نیز از رویکرد تلفیقی و ملاک‌های چندگانه استفاده شده است که مختص انواع پژوهش‌های کیفی و نظریهٔ برخاسته از داده‌هاست. روایی درونی، اعتمادپذیری یا صحت داده‌ها بیشتر به غنای داده‌ها، انسجام داده‌ها و توانایی تحلیل محقق وابسته است. به منظور افزایش اعتمادپذیری داده‌ها، از دو نفر از متخصصان آشنا با ماهیت موضوع پژوهش یاری گرفته شد تا به بررسی صحت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1402.17.1.2.6]

داده‌ها و میزان اعتماد و باورپذیری یافته‌های حاصل شده از تحلیل داده‌ها بپردازند. این مورد مذکور در اعتباریابی نیز از ملاک‌های رایج در نظریهٔ برخاسته از داده‌ها محسوب می‌شود (فراستخواه، ۱۳۹۷). همچنین در زمینهٔ اعتبار بیرونی و تعمیم‌پذیری نتایج در تحقیق کیفی مفروض است که جایگاه دنیای واقعی به طور غیر قابل اجتنابی در تغییر است، بنابراین تکرار، ممکن نیست. محققان کیفی به جای نیاز به مسلم پنداشتن ثبات درونی پدیده‌هایی که مطالعه می‌کنند، نیاز دارند که بین عدم ثبات که بخشی از زمینهٔ تحقیق است و اینکه واقعیت‌ها در طی جریان تحقیق ساخته می‌شوند، هماهنگی بوجود آورند (صالحی و همکاران، ۱۳۹۴). برای افزایش روایی بیرونی یا انتقال‌پذیری یافته‌ها از راهبرد چندسویه‌سازی داده‌ها بهره گرفته شد. در این راهبرد، علاوه بر داده‌های روایتی حاصل از مصاحبه‌ها، به اسناد و مبانی و شواهد پژوهشی نیز مراجعه شد. در زمینهٔ گردآوری داده‌ها از دستیار پژوهشگر و همچنین در تحلیل داده‌ها و بررسی اعتبار آن‌ها نیز توافق بین دو کدگذار برای متون یکسان بررسی گردید و مورد تأیید قرار گرفت. همچنین در راستای راهبرد مذکور، جلسات مصاحبه‌ها در مکان و زمان‌های متفاوت و جلسات مختلف حضوری و مجازی انجام پذیرفت.

پایایی به معنی اتکاپذیری در در پژوهش‌های کیفی از اهمیت زیادی برخوردار است؛ در زمینهٔ افزایش اتکاپذیری و ثبات یافته‌ها، تلاش بر این بود تا با تهیه و ارائهٔ شواهد پژوهشی، مبانی و اسناد کافی دربارهٔ پدیدهٔ مورد مطالعه و شرح دقیق روش و اجرای مطالعه به انجام برسد. همچنین علاوه بر ملاک مذکور، برای بررسی تطابق همگونی داده‌ها، ثبات و همگرایی آن‌ها از مراجعه به سه نفر از شرکت‌کنندگان برای کنترل و بررسی مفاهیم شناسایی‌شده و مقوله‌ها نیز بهره گرفته شد. تاییدپذیری در پژوهش حاضر هم با توضیح و شرح جزئیات از فرآیند گردآوری داده‌ها، روش پژوهش و تحلیل داده‌ها، تامین شد. به همین منظور، برای قانع‌سازی خوانندگان و تاییدپذیری از توضیحات دقیق و به‌کارگیری و ارائهٔ اصطلاحات و روایت‌های هر یک از مصاحبه‌شوندگان (با حفظ اصل رازداری) بهره گرفته شد. همچنین ملاک برازش در نظریهٔ برخاسته از داده‌ها نیز بر این مورد دلالت دارد که نظریه باید بر داده‌ها برازش یافته باشد؛ به عبارتی، یعنی فرآیند شناسایی کدها و مفاهیم اولیه، مفهوم‌پردازی‌ها و حرکت به سوی انتزاع مبتنی بر داده‌ها یا با استناد به داده‌ها برازش یافته و شکل گرفته است. این ملاک نیز به همین صورت انجام پذیرفت که در آن پژوهشگر به توضیح دقیق تشکیل و ارتباط منظم میان مقوله‌ها و یکپارچه‌سازی آن‌ها از طریق مراحل مختلف فرآیند پژوهش کیفی پرداخته است.

یافته‌ها

در این پژوهش با رهیافت کیفی بازنمایی و شناسایی مؤلفه‌های زیربنایی در شکل‌گیری تمایزیافتگی خود با انجام مصاحبه‌ها بررسی و مطالعه شد. با تبدیل به متن و پیاده‌سازی کامل مصاحبه‌ها و مقایسهٔ مداوم داده‌ها بر اساس فرآیند دورانی در نظریهٔ برخاسته از داده‌ها، مفاهیم از درون آن‌ها استخراج و در قالب مقوله‌ها دسته‌بندی شدند. برای آنکه وقایع، ایده‌ها و رویدادهای مشابه در یک واحد یا یک دسته گروه‌بندی شوند، مفهوم‌سازی که همان انتخاب یک نام برای هر رویداد یا اتفاق است، با کاوش عمیق در یک جمله، سطر یا پاراگراف انجام شد و به هر کدام از آن‌ها یک مفهوم یا کد الصاق گشت. به طور کلی از تحلیل اولیهٔ داده‌ها در مجموع ۱۱۲ کد اولیه شناسایی شد و در ادامهٔ فرآیند کدگذاری با مقایسهٔ مفاهیم، شناسایی موارد مشابه و مشترک، کدها یا مفاهیم در قالب ۲۸ زیرمقوله مشخص شدند. در مرحلهٔ بعدی کدگذاری، زیرمقوله‌های به دست آمده در ۳ مقوله طبقه‌بندی گردیدند. در ادامه، ابتدا تشکیل و دسته‌بندی مقوله‌ها در جدول و شکل و سپس با استناد بر نمونه روایت‌ها ارائه شده‌اند و در پایان به بحث و بررسی و نتیجه‌گیری از یافته‌ها پرداخته شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1402.17.1.2.6]

جدول ۲ – کدهای اولیه، زیرمقوله‌ها و مقوله‌ها

مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها	شناسایی کدهای اولیه
استقلال فکری	استقلال رأی	مستقلانه فکر کردن، بیان نظرات، موضع‌گیری شخصی، باورهای مخصوص هر کس، تلاش برای منطقی فکرکردن
	جهت‌گیری ایدئولوژیکی	جهت‌گیری توسط عقاید خود، ایده‌پردازی شخصی، تمایزیافتن با افکار و عقاید
	فرای جامعه بودن	شبیه بقیه نبودن، عموم مردم، جلو افتادن از جامعه
	منحصر و خاص بودن	خاص یا یونیک بودن، تک بودن، (تمایزیافتگی به معنای منحصر به فردی)
	خلق و خوی متفاوت داشتن	به رغم شباهت ظاهری: عدم شبیه بودن دقیق رفتارها، اخلاق‌ها، خصلت‌های افراد به همدیگر
	اعتقادات متفاوت	عقاید شخصی هر کس، عقاید خود، تصورات
	خوی رقابت‌جویانه	اهل رقابت بودن، حس مثبت رقابت، مقایسهٔ پیشرفت خود با دیگران، تلاش برای پیشی گرفتن
	سبک متفاوت زندگی	وگان بودن، ورزش منظم در هفته، کلاس موسیقی
	طرز فکر متفاوت	ذهنیت متفاوت، گروهی فکر نکردن، نگاه از زاویه‌ای دیگر، طرز تفکر
	خلاقیت و بکرآفرینی	عدم تمایل به تقلید از دیگران، خلاقیت، خلاق و آفریننده بودن
	قدرت تصمیم‌گیری	قدرت تصمیم‌گیری فردی، اجرای تصمیمات، انجام کاری: «مصمم بودن»
	قدرت انتخاب	دست به انتخاب زدن، انتخاب‌گری، انتخاب مستقلانه
	کمال‌گرایی	حس کمال‌گرایی، انتخاب رفتارهای متفاوت «کمال‌گرایانه»، بهترین‌ها را خواستن
	هدفمندی	تعیین اهداف شخصی، تمرکز روی اهداف، حصول اهداف
	قاطعیت	عمل و تلاش قاطعانه، جسور بودن، با قدرت عمل کردن
هویت‌طلبی	خودآگاهی	مطلّع بودن از: اهداف، نیازها، توانایی‌های خود، آگاه بودن از وضعیت خود
	تفاوت‌های فردی	تفاوت میان اعضای یک خانواده، فرق بین آدم‌ها، تفاوت‌های تمییزدهنده، تمایزها
	هویت متفاوت شخصی	تعریف خاص هر کس از هویت خود، تشخص، شخصیت شناخته شدهٔ من، هویت قابل توصیف
	پُر انرژی و با روحیه بودن	زیاد فعال بودن، حس مثبت، مبارزه با تنبلی و رخوت، تمایل به فعالیت
	تخصص و استعداد در حیطه‌ای‌خاص	تمرکز بر استعدادهای خود، تمایز با توانایی‌ها، کسب مهارت و نبوغ
	احساس استقلال	مستقل دانستن خود، روی پای خود ایستادن
	تصور واقعی از خود	داشتن دیدگاهی مثبت و شایسته از خود، درست شناختن خود، عدم ارائهٔ تصویری دروغین از خود به دیگران (نقش بازی کردن)
	درک معنای باطنی	معنای درونی، احساس قلبی نسبت به خود، شناختن معنی تمایز پیدا کردن خود
منزلت اجتماعی	رفتار محترمانه	برقراری روابط عمومی مبتنی بر احترام، مصالحه، احترام متقابل، حرمت‌های میان افراد
	اهمیت دادن به ادب و آداب	اهمیت قائل شدن به: رفتارهای برازنده، حفظ نزاکت و احترام در روابط بین فردی
	رفتار موقعیتی	به اقتضای شرایط رفتار کردن، تشخیص دادن رفتارهای متناسب با هر موقعیت
	صفات نیکوی انسانی	تمایزیافتگی با صفات حسنه، کردار نیک، خصلت‌های خوب، اجتناب از بداخلاق شناخته شدن
	موقعیت‌شناسی	تشخیص شرایط: همسویی با دیگران یا اتخاذ روشی جداگانه، به جا حرف زدن و رفتار کردن، موقعیت فرد در زندگی
	خوش رفتاری	در رفتار با دیگران: دلسوزی، مهربانی، خوش‌رویی، حرف‌های خوب زدن
	تفاوت‌های ظاهری	تفاوت در: ژنتیک، اثرانگشت، شکل و قیافه یا سبک لباس پوشیدن، انتخاب حجاب، استایل شخصی
	نقش‌های اجتماعی	نقش‌های مختلف هر شخص در: جامعه، محل کار، خانوادهٔ پدری، خانوادهٔ همسر، والدینی، فرزندی
	پایگاه اجتماعی	نیکنامی، نحوهٔ مطلوب شناخته شدن از سوی دیگران، تمایزیافتن با موقعیتی مثبت در اجتماع
	پایبندی به تعهدات اجتماعی	رعایت و احترام به تعهدات: در محل کار، در خانواده، در تشکیل خانواده و ازدواج، در گروه همکاران یا دوستان
	روابط گستردهٔ اجتماعی	دایرهٔ دوستان زیاد، اجتماعی شناخته شدن، خوش‌مشرب شناخته شدن در روابط، ارتباط دوستانه با همکاران، رفت‌وآمد
	جایگاه شغلی	جایگاه شغلی: وجه تمایز از دیگران، اهمیت شاغل بودن، شغل به مثابهٔ هویت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1402.17.1.2.6]

براساس تحلیل کیفی داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها از طریق کدگذاری نظری، در ابتدا کدهای اولیه استخراج شدند و در ادامهٔ فرآیند کدگذاری با مقایسهٔ مفاهیم و بررسی آن‌ها، موارد مشابه و مشترک در قالب مقوله‌های واحد قرار گرفتند. بدین ترتیب طبقات فرعی و مقوله‌ها یا طبقات اصلی در جدول فوق نمایش داده شده‌اند.

مقولهٔ اول – استقلال فکری: استقلال فکری به معنای توانایی متفاوت نگاه کردن به مسائل و موضوعات مختلف، داشتن دیدگاهی جدید و یا ارائه ایده‌های جدید، راه‌حل‌های مبتکرانه، قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری بر اساس واقعیت‌ها و تحلیل‌های شخصی است. استقلال فکری به فرد کمک می‌کند تا در فکر و در راستای آن در عمل، متمایز بودن را تجربه کند. علاوه بر این‌ها، در چالش‌ها و بحران‌ها، بهره‌گیری از تفکر مستقل می‌تواند به فرد در نگریستن از زوایایی دیگر به مشکلات و شناسایی فرصت‌ها و راه‌حل‌های متفاوت یاری‌رسان باشد. داشتن طرز فکر متفاوت از دیگران، قدرت انتخاب و توانایی تصمیم‌گیری مستقل در موقعیت‌های مختلف زندگی برای شرکت‌کنندگان به این معناست که می‌توانند از این طریق خود را از دیگران متمایز و به عبارتی خود را تمایزیافته بدانند. همچنین داشتن نگرش‌ها و عقاید خاص خود به عنوان یکی از مؤلفه‌های زیربنایی فرآیند شکل‌گیری تمایزیافتگی خود در مصاحبه‌شوندگان به شکل‌های مختلفی مورد تأکید بوده است. در این خصوص یکی از شرکت‌کنندگان تجارب خود را بدین گونه شرح داد: «...اعتقاداتی که خودم به اونا رسیدم و شکلشون دادم وجه ممیزهٔ من هست و به من جهت میده...». شرکت‌کنندهٔ دیگری بیان کرد: «...من تمایزیافته بودن رو مثل خلاقیت تعریف میکنم... اگه بخوای خلاق و آفریننده باشی باید متفاوت فکر کنی و دس به عمل و تصمیم بزنی...»؛ در این باره ادراک یک شرکت‌کنندهٔ دیگر نیز به این شرح بود: «...من داشتن نظرات مختلف و مستقل رو فقط به خودم اختصاص ندادم... هر کسی میتونه مستقلانه فکر کنه و نظراتشو بیان کنه...».

مقولهٔ دوم – هویت‌طلبی: هویت یا کیستی به مجموعه نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیات فرد و آنچه او را از دیگران متمایز می‌کند، اطلاق می‌شود. همهٔ انسان‌ها در برهه‌ای از زندگی‌شان از خود می‌پرسند چه کسی‌اند و هویت‌شان چیست؛ این هویت‌طلبی بسیار مهم است. هویت پدیده‌ای‌ست که می‌تواند ابعاد مختلفی مانند زیستی یا قومی داشته باشد اما آنچه در اینجا مدنظر بوده است هویت‌طلبی با تأکید بر توانمندی‌هاست که فرد را از سایرین تمایز می‌دهد. در داده‌های مصاحبه‌ای و تحلیل آن‌ها داشتن توانایی‌ها و تأکید بر آن‌ها به عنوان نشانه‌ای از هویت خود یا تمایز با دیگران مطرح شده است. به عبارتی دیگر، از نظر مصاحبه‌شوندگان داشتن یک سری از توانمندی‌ها می‌تواند آن‌ها را از دیگران متمایز نشان دهد و به مثابهٔ هویت شخصی تلقی شود. برای نمونه، مصاحبه‌شونده‌ای بیان کرد: «...همین که فرد در محدودهٔ خودش، حیطهٔ کاری یا هر حیطه‌ای به درجه‌ای از مهارت و توانایی برسه کفایت میکنه که خودش رو متفاوت در نظر بگیره...». همچنین شرکت‌کنندهٔ دیگری این مورد را توضیح داد: «...تعریف هر کس از خودش با دیگران فرق میکنه و اینکه من خودم رو چقدر و چجوری شناختم که بر اساسه واقعیته خیلی مهمه...». توضیح شرکت‌کنندهٔ دیگر نیز این گونه بود: «...هرکسی حداقل توی یه زمینه‌ای استعدادی یا مهارتی داره، بخاطر همین اگه من توی اون زمینهٔ خودم به تخصص برسم یا استعدادم رو شکوفا کنم، خیلی اهمیت پیدا میکنه...».

مقولهٔ سوم – منزلت اجتماعی: منزلت اجتماعی، پایگاهی است که فرد در جامعه دارد؛ به بیان دیگر، موقعیت یا جایگاهی که یک فرد با ارجاع به آن و نقش قابل رؤیت‌اش خود را در اجتماع متمایز می‌داند. با کسب منزلت اجتماعی، فرد می‌تواند از برخی مزایا و ویژگی‌هایی برخوردار شود همچنین منزلت اجتماعی نوعی شأن، اعتبار، عزت و احترام نیز تلقی شده است که جامعه برای آن جایگاه قائل است. از طرفی، پایگاه یا منزلت اجتماعی به ارزیابی‌های ذهنی افراد از تفاوت‌های اجتماعی و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1402.17.1.2.6]

تمایزها نیز بستگی دارد و می‌تواند مثبت یا منفی باشد. علاوه بر موارد مذکور، برای شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر تمایزیافتگی خود به معنای جایگاه و منزلت اجتماعی در حوزه‌های مختلف را هم شامل می‌شود؛ به طوری که متناسب با همان جایگاه رفتار کردن یا رفتارهای خاصی را اتخاذ کردن می‌تواند آن‌ها را از دیگران متمایز نشان دهد و دلیلی بر تمایزیافتگی‌شان باشد. به عنوان مثال مصاحبه‌شونده‌ای نکته‌نظرات خود را به این صورت مطرح کرد: «...من از خودم و بقیه، بخصوص از خودم یکسری انتظاراتی دارم که به اقتضای شرایط لازم هستن و باید رعایت بشن... آدم باید یه خط و خطوطی برای خودش ترسیم کنه تا بتونه مشخص کنه چی کجا خوبه، بده یا نامناسبه...». شرکت‌کنندهٔ دیگری در پژوهش بیان داشت: «...وقتی خواسته یا ناخواسته با افراد دیگه‌ای در ارتباطیم نیاز داریم که متقابلاً مواردی رو رعایت کنیم، وقتی وارد بازار کار میشی یه جوره یا وقتی ازدواج میکنی و وارد یه خانوادهٔ جدید میشی یه طور دیگه هست...». توضیح شرکت‌کنندهٔ دیگری هم این گونه بود: «...این که من موقعیتها رو خوب بشناسم و بدونم کجا باید همسو با دیگران حرکت کنم و کجا از خودش تمایز نشون بدم، بقول معروف میگن: هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد...».

با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر، مؤلفه‌های زیربنایی در فرآیند شکل‌گیری تمایزیافتگی خود به صورت ادغام شده در قالب گزاره‌هایی به این شرح تکوین یافته است: تمایزیافتگی خود به شکل افکار، عقاید، رفتارها و نگرش‌های مستقلانه و منحصر به فرد به همراه هویت‌طلبی و منزلت اجتماعی فرد پدیدار شده و جریان می‌یابد. با توجه به ادراکات افراد شرکت‌کننده مشخص شد که فرآیند تمایزیافتگی عمدتاً به صورت استقلال فکری تجربه می‌شود اما هویت‌طلبی به ویژه با تأکید بر توانمندی‌های هر شخص و منزلت اجتماعی و رفتارهای مقتضی بخشی دیگری از این فرآیند را به خود اختصاص داده‌اند. از طرفی می‌توان از این منظر به مباحث مذکور نگریست که افراد در میان استقلال در فکر و عمل و توجه به رفتارهای اجتماعی و مقتضی سعی می‌کنند نوعی توازن و تعادل را برقرار نمایند. بر همین اساس می‌توان ادعا کرد که این موارد از ویژگی‌های فرهنگی افراد جامعهٔ ماست که در یک سوی پیوستار استقلال فکری، قاطعیت و قدرت عمل قرار دارد و در عین حال، در آن سوی پیوستار رفتارهای موقعیتی، روابط گستردهٔ اجتماعی و پایبندی به تعهدات اجتماعی برای افراد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. به عبارتی دیگر، بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر روشن می‌شود که در فرهنگ ما علاوه بر مهم بودن استقلال فکری و هویت‌طلبی، منزلت اجتماعی و رفتارهای مقتضی با جایگاه فرد نیز از اهمیّت بسزایی برخوردار هستند و بدین ترتیب افراد متمایز بودن را ادراک و تجربه می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر شناسایی مؤلفه‌های زیربنایی در حیطهٔ شکل‌گیری تمایزیافتگی خود بود. بر اساس یافته‌های بدست آمده در این پژوهش که حاصل تحلیل کیفی متون مصاحبه‌ها بود پژوهشگر به ۳ مقوله دست یافت و در ادامه به بحث و بررسی پیرامون هر کدام از آن‌ها می‌پردازیم.

بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها مشخص شد که محوریت زیربنایی در شکل‌گیری تمایزیافتگی خود را می‌توان در سه مقوله توضیح داد که یکی از آن‌ها عبارت است از: استقلال فکری. استقلال فکری نه فقط در مباحث مربوط به تمایزیافتگی خود، بلکه در کل زندگی از چنان اهمیتی برخوردار است که نمی‌توان به راحتی آن را نادیده گرفت. مرور روایت‌های مصاحبه‌شوندگان مشخص می‌سازد که استقلال فکری و دست به انتخاب زدن و تصمیم‌گیری با متفاوت و یا خلاقانه فکر کردن معنا می‌یابد. به عبارتی دیگر، مستقلانه اندیشیدن و تصمیم گرفتن برای آن‌ها خودپیروی و متفاوت بودن را به ارمغان آورده است. همچنین در سایر پژوهش‌ها استقلال فکری و تصمیم‌گیری در زمرهٔ توانمندی‌های روان‌شناختی قرار

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1402.17.1.2.6]

می‌گیرند و با مقوله‌هایی همچون احساس رضایت از خود، موفقیت در زندگی و قدرت حل مسئله ارتباط دارند (قادری و همکاران، ۱۳۹۱). در حیطهٔ نگرش‌ها و شناخت‌ها، تمایزیافتگی خود با میزان بیگانگی افکار و ارزش‌ها، باورها و اعتقادات از والدین یا دیگرانِ مهم توصیف شده است (گور و همکاران، ۲۰۲۴). بدین معنی که تمایزیافتگی خود رسیدن به میزانی از استقلال و بلوغ هیجانی است که شخص بتواند در موقعیت‌های هیجانی بدون غرق شدن در فضای آن موقعیت‌ها، به صورت عقلانی و مستقلانه تصمیم بگیرد. با بررسی مؤلفه‌های تمایزیافتگی خود در نظریهٔ نظام‌های خانواده، توضیح مقولهٔ مذکور آسان‌تر می‌شود؛ به طوری که در این نظریه، حفظ موضع یا جایگاه من به معنای داشتن عقاید و باورهای مشخص در زندگی و همچنین توانایی پیگیری منطقی عقاید شخصی و منحصر به فردِ خود در شرایط مختلف است (لمپیس و کاتادوئللا، ۲۰۱۹). با وجود همهٔ گوناگونی‌ها و تشابه‌ها در میان انسان‌ها، جوامع و جهان، عمدتاً فرهنگ‌ها، رفتارها، باورها، عقاید و عادت‌ها با تفاوت‌ها و تمایزهایشان برجسته و شناخته می‌شوند. با توجه به یافته‌های پژوهش، داشتن رفتار، نگرش یا عقاید منحصر به فرد و مختلف به معنای عجیب و غریب بودن یا داشتن عقاید عجیب و غیرعادی نیست؛ بلکه چیزی‌ست که صرفاً متعلق به خودِ فرد است و او را از اطرافیانش منحصر به فرد و متمایز می‌کند.

یکی دیگر از مؤلفه‌های زیربنایی در شکل‌گیری تمایزیافتگی خود، هویت‌طلبی با تأکید بر توانمندی‌هاست. در این نتایج، هویت‌طلبی بیشتر بر توانمندی‌ها، استعداد و مهارت‌ها و تفاوت‌های فردی هر شخص تأکید می‌کند. آگاهی از وجود تفاوت میان انسان‌ها شاید تاریخچه‌ای به اندازهٔ آفرینش بشر داشته باشد، چرا که انسان‌های اولیه نیز بر اساس تفاوت‌ها و توانایی‌های خاص خود تعریف می‌شدند، عده‌ای بر همین اساس تهیه‌کنندهٔ خوراک و شکارچی بودند و عده‌ای دیگر دفاع و جنگآوری را بر عهده می‌گرفتند. توجه به توانایی‌ها و تفاوت‌های فردی که گاهاً مترادف با شخصیت یا نحوهٔ توصیف هر شخص از خودش محسوب می‌شود می‌تواند رفتارهای آتی فرد را پیش‌بینی‌پذیر سازد (علیزاده و همکاران، ۱۴۰۰). یافته‌های پژوهش حاضر در این خصوص با نتایج یک پژوهش آمیخته که به بررسی وضعیت شاخص‌های تمایزیافتگی خود در خانواده‌های شهر تهران پرداختند و مشخص شد که شاخص هویت بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده است، همسو می‌باشد (احمدی و پاک‌نژاد، ۱۳۹۶). همان‌طور که در بخش‌های قبل هم مطرح شد، یکی از مؤلفه‌های تمایزیافتگی خود جایگاه من یا اتخاذ موضع خود می‌باشد که در آن فرد از هویت شخصی قوی و نیرومندی برخوردار است و به خاطر کسب رضایت دیگران، رفتار و عقاید خود را تغییر نمی‌دهد و احساس یکپارچگی می‌کند (دنگ و همکاران، ۲۰۲۳) که مؤلفهٔ با اهمیت هویت در فرآیند شکل‌گیری تمایزیافتگی خود را نشان می‌دهد.

همچنین یکی دیگر از مقوله‌های اصلی کشف شده به عنوان مؤلفه‌ای زیربنایی، منزلت اجتماعی می‌باشد. منزلت اجتماعی ارزیابی یا قضاوتی است که به موجب آن جامعه محبوبیت بیشتری به یک موقعیت یا جایگاه و یا به یک پایگاه اجتماعی اختصاص می‌دهد و افراد به طور کلی آن جایگاه‌ها را به هر دلیلی به موقعیت‌ها و پایگاه‌های اجتماعی دیگر ترجیح می‌دهند؛ در جامعه‌شناسی غالباً منزلت اجتماعی را هم‌معنی با پایگاه اجتماعی در نظر می‌گیرند و آن را جایگاهی می‌دانند که فرد در گروه یا در مرتبه و موقعیت اجتماعی آن را کسب کرده و بر اساس آن از برخی مزایا و ویژگی‌ها برخوردار می‌گردد (حسینیان و فهیمی، ۱۳۸۸). همچنین برخی مؤلفان و پژوهشگران منزلت اجتماعی را نوعی اعتبار و احترامی می‌دانند که جامعه برای افراد یک گروه، یا نهاد و شغل قائل می‌شود و بر اساس آن، از آنان انتظار رفتارهای خاصی می‌رود (نجف‌پورمقدم و محمدی، ۱۴۰۱). در نتیجه‌گیری از یافته‌های پژوهش حاضر در این زمینه می‌توان اظهار داشت که منزلت اجتماعی در شرکت‌کنندگان و رفتارهای

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1402.17.1.2.6]

اجتماعی و مقتضی متناسب با آن به صورتی تجربه می‌شود که در آنان به عنوان تمایزیافته یا متمایز بودن ادراک می‌شود. همچنین یافته‌های این بخش از پژوهش در هماهنگی با نتایج پژوهشی است که با هدف شناسایی مفهوم و فرآیند رشد تمایزیافتگی خود در جوانان چینی انجام شد؛ تحلیل کیفی داده‌های آن مطالعه نشان‌گر این بود که تمایزیافتگی خود در جوانان چینی نه تنها دو جهت‌گیری درون‌فردی و رابطه‌ای، بلکه جهت‌گیری اجتماعی را نیز شامل می‌شود (رو وانگ، ۲۰۱۹). در خصوص رفتارهای مقتضی و اجتماعی که توسط مصاحبه‌شوندگان بیان شد، یافته‌ها همسو با پژوهشی است که نتایج آن مشخص کرد سطوح بالای تمایزیافتگی خود به‌طور قابل توجهی پیش‌بینی‌کنندهٔ رشد روانی/اجتماعی در جوانان است (جنکینز و همکاران، ۲۰۰۵). علاوه بر موارد فوق، در پژوهشی که در گسترهٔ وسیعی از کشورمان (هفت مرکز استان) ارتباط میان تمایزیافتگی و هویت اجتماعی را بررسی می‌کرد، رابطهٔ مثبت و معناداری بدست آمد (سلگی، ۱۳۹۸).

در مقایسهٔ یافته‌های حاصل شده با چارچوب نظری و پیشینهٔ پژوهشی می‌توان بیان کرد که یافته‌های به دست آمده در این مطالعه که شناسایی مؤلفه‌های زیربنایی در شکل‌گیری تمایزیافتگی خود بود، فراتر از یافته‌های بدست آمده در این حیطه بوده و جنبهٔ نوآورانه داشته است. همچنین با مرور مطالب فوق، جایگاه حائز اهمیّت تمایزیافتگی بیش از پیش روشن شد که یکی از شناخته‌شده‌ترین سازه‌ها برای پژوهشگران و متخصصان حیطهٔ مشاوره و خانواده‌درمانی است. در مطالعهٔ حاضر، تمرکز بر تکوین یافته‌ها و دانش بومی بود، چرا که با پیشرفت علم روان‌شناسی و شاخه‌های مختلف آن در قرن ۲۱ و با توجه به مبحث نوین چندفرهنگ‌گرایی در مشاوره و روان‌درمانی روشن می‌شود که مطالعه و کاوش ویژگی‌های روان‌شناختی جدا از بافت فرهنگی آن‌ها چندان میسر واقع نمی‌شود. در راستای یافته‌ها و مطالب فوق پیشنهاد می‌شود اقدامات مقتضی از سوی نهادهای فعال در حیطهٔ سلامت روان شهروندان در زمینهٔ تمایزیافتگی مدنظر قرار گیرد. وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مختلف کشور که در حوزهٔ بهداشت و سلامت روان به صورت هماهنگ یا جداگانه فعالیت می‌کنند، می‌توانند در برنامه‌های اجرایی خود توجه و رسیدگی به فرآیند شکل‌گیری تمایزیافتگی و مؤلفه‌های آن را ادغام کرده و طرح‌های مختلف آموزشی، درمانی، پیشگیری یا رشد و ارتقای سطح سلامت روان را برنامه‌ریزی کنند. با توجه به یافته‌ها و از جنبه‌ای دیگر، پیشنهاد می‌شود که استقلال و تفاوت‌های فردی در نظر گرفته شوند و در راستای توجه به متمایز بودن افراد و احترام به وجود چنین تفاوت‌های فردی در جامعه، مسئولین امر در این خصوص تمهیداتی اندیشیده و سیاست‌گذاری‌ها و فرهنگ‌سازی‌های مربوطه را مد نظر قرار دهند و این را نیز باید در نظر داشت که نتایج حاصل از فرهنگ‌سازی‌ها در طولانی‌مدت خود را نشان می‌دهند. همچنین اطلاع از این یافته‌های این پژوهش می‌تواند به مشاوران کمک کند تا فرآیند مشاوره را غنا بخشیده و در اجرای مشاورهٔ اعم از انفرادی، زوجی یا خانواده‌درمانی این مقوله‌ها را مدنظر قرار دهند.

تحولات زندگی بشر در هزارهٔ سوم نشان از گسترش روز افزون اهمیت علم و پژوهش است، به ویژه پژوهش در حیطهٔ علوم انسانی که یکی از حائز اهمیت‌ترین حوزه‌های پیشرفت یک کشور به شمار می‌رود اما مورد کم توجهی قرار می‌گیرد؛ از این روست که می‌توان گفت بین پیشرفت و غنی شدن پژوهش‌های علوم اجتماعی و رفتاری و شتاب توسعهٔ فراگیر و پایدار در رشد علمی، فرهنگی و اجتماعی هر کشور ارتباط مستقیمی وجود دارد. نقش پژوهش در رشد همه جانبه و مداوم چنان برجسته و انکارناپذیر است که می‌توان آن را بدون تردید نیروی محرک توسعه در همهٔ زمینه‌ها اعم از فرهنگ، سیاست و جامعه دانست. به همین جهت پیشنهاد می‌شود هر یک از مقوله‌های شناسایی شده و روابط میان آن‌ها در نتایج این پژوهش، به صورت مطالعات کمّی، کیفی و آمیخته بررسی شوند تا

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1402.17.1.2.6]

امکان بسط و گسترش بیشتر این یافته‌ها حاصل شود؛ چرا که هیچ کدام از روش‌های پژوهشی بر یکدیگر ارجحیت ندارند بلکه مکمل هم محسوب می‌شوند و هر کدام در جایگاه خود دارای اهمیت هستند. از طرفی، وجود تفاوت‌های فرهنگی در تمایزیافتگی خود در پژوهش‌های مختلف داخلی و خارجی به کرات مطرح و اثبات شده است اما این تفاوت‌ها نه فقط در میان کشورها و فرهنگ‌های مختلف بلکه در درون کشورها نیز می‌تواند مشاهده شود؛ پژوهش حاضر در بستر فرهنگی/ اجتماعی شهر تبریز و با مشارکت‌کنندگانی از خانواده‌های تُرک‌زبان و شیعه مذهب انجام شد، به همین سبب و با توجه به پهنهٔ گستردهٔ کشورمان و وجود گوناگونی فرهنگی، قومی و مذهبی در کشور پیشنهاد می‌شود این موضوع به عنوان موضوع پژوهش‌های آتی در سایر مناطق کشور، اقوام و مذاهب مختلف مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد و نتایج آن‌ها با یکدیگر مقایسه شوند. همچنین این موضوع می‌تواند با تفکیک جنسیتی، گرایش‌های جنسی و یا با تفکیک مشاغل و در اقشار مختلف اقتصادی مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد و در نهایت اینکه، با توجه به این امر که در هر خانواده‌ای رده‌های مختلف سنی و پیرو آن ویژگی‌های خاص هر دورهٔ رشد و تحول وجود دارد، از این رو شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر از میان افراد جوان یا به عبارتی بزرگسالان جوان و متأهل انتخاب شدند که میانگین سنی آن‌ها تقریباً سی‌وپنج سال بود؛ برای بررسی بیشتر و بهتر می‌توان فرآیند شکل‌گیری تمایزیافتگی خود را در رده‌های مختلف سنی، مانند نوجوانان، جوانان (افراد مجرد یا دانشجویان)، میانسالان و سالمندان مورد مطالعه و آزمون قرار داد و نتایج را با یکدیگر تطبیق داد تا دیدگاهی جامع‌تر و گسترده‌تر در این زمینه حاصل شود.

قدردانی

تیم پژوهشی از تمامی افرادی که در اجرای این مطالعه همکاری داشتند، تشکر و سپاس‌گزاری به عمل می‌آورد.

منابع مالی

این مطالعه از منابع یا حمایت مالی برخوردار نبود.

ملاحظات اخلاقی

پژوهش حاضر مستخرج از رسالهٔ دکتری تخصصی است (کد اخلاق: IR.UT.PSYEDU.REC.1401.088).

References:

1. Ahmadi, Kh., & Paknejad, F. (2017). The status of differentiation indicators in Tehrani families. *Journal of Counseling and Psychotherapy Culture*; 8(30), 219-239. [Persian].
2. Ai Ziqiong, L. (2014). A study on adolescent self-differentiation and its relationship with parent-child triangle. Shanghai: Shanghai University. *Chinese Journal of Clinical Psychology*; 20(5), 713–726.
3. Aldiabat, K.M., & Navenec, C.L. (2018). Data Saturation: The Mysterious Step In Grounded Theory Method. *The Qualitative Report*; 23(1), 245–261. doi: 10.46743/2160-3715/2018.2994
4. Alizadeh, Z., Pouyakian, M., & Etemad, K. (2022). The role of individual and psychological differences in the occurrence of unsafe behaviors: a cross-sectional study among employees of a turbine company. *Occupational Health and Safety Quarterly*; 12(2), 384–402. [Persian].
5. Baniasadi, A. & Salehi, K. (2019). Introduction on the Principles and Process of Construction and Validation of the Interview Protocol. Higher Education Letter; 12 (46), 177-203. [Persian].https://journal.sanjesh.org/article_36128.html?lang=en
6. Bazargan, A. (2017). *An*

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1402.17.1.2.6]

introduction to qualitative and mixed method Research. 9th edition. Tehran: Didar Publications. [Persian].

7. Bohlander, J.R. (1995). Differentiation of Self: An Examination of the Concept. Issues in Mental Health Nursing; 16(2): 165–184. doi: 10.3109/ 01612849509006932
8. Calatrava, M; Mariana, V; Martins, M; Schweer-Collins, M; Duch-Ceballos, C & Rodríguez-Gonzalez, M. (2022). Differentiation of self: A scoping review of Bowen Family Systems Theory's core construct. *Clinical Psychology Review*; (91): 102101. Doi, 10.1016/j.cpr. 2021.102101
9. Castillo-Montoya, M. (2016). Preparing for Interview Research: The Interview Protocol Refinement Framework. The Qualitative Report; 21 (5), 811-831. Retrieved from: http://nsuworks.nova.edu/tqr/vol21 /iss5/2
10. Danaeifard, H. & Emami, S.M. (2007). Qualitative research strategies: a reflection on grounded theory. *Journal of Andisheye Modiriyyat*; 1(2), 69-97. [Persian].
11. Deng, M., et al. (2023). The influence of insecure attachment on undergraduates' jealousy: the mediating effect of self-differentiation. Front Psychol; (14): 1153866. doi:10.3389/ fpsyg. 2023.1153866
12. Farasatkhah, M. (2016). *Qualitative research method in social sciences with emphasis on grounded theory*. fourth edition. Tehran: Aghaz Publications. [Persian].
13. Firestone, R; Firestone, L. & Joyce, C. (2023). *A therapeutic model for Differentiation*. Translator: Seyyed Majidi, S. Tehran: Elm va Danesh Publications. [Persian].
14. Flick, A. (2017). *An introduction to qualitative research*. Translator: Jalili, H. Tehran: Ney Publications. [Persian].
15. Goldenberg, H. & Goldenberg, I. (2019). *An overview of family therapy*. fourth edition. Translator: Firoozbakht, M. Tehran: Rasa Publications. [Persian].
16. Goldenberg, I. & Goldenberg, H. (2013). *Family Therapy*. Translators: Hosseinshahi Barvati, H.R; Naqshbandi, S. & Arjamand, A. Tehran: Ravan Publications. [Persian].
17. Gur, A., Egozi, Sh., & Yoav Schweitzer. (2024). Self-Differentiation Psychological Flexibility, and Difficulties in Practice in Social Workers and Social Work Students. Social Work; 69 (1): 43–51. doi: 10.1093/sw/swad039
18. Hosseinian, S. & Fahimi, A. (2009). Factors affecting the social dignity of the traffic police. *Traffic management studies*; 4(13): 11-34. [Persian].
19. Jenkins et al, S.M; Buboltz, W.C; Schwartz, J.P & Johnson, P. (2005). Differentiation of self and psychosocial development. *Contemporary Family Therapy*; (27), 251–261. doi: 10.1007/s10591-005-4042-6
20. Karimian, Z., Salehi, K., & Khodaei, A. (2020). A grounded theory explaining the process of entrepreneurial spirit formation among the students in technical-vocational schools (TVS). *New thoughts on education*; 16(1), 7-44. [Persian].
21. Lampis. J., & Cataudella, S. (2019). Adult attachment and differentiation of self-constructs: A possible dialogue? *Contem-porary Family Therapy*; *pp* 1–9. doi: 10.1007/s10591-019-09489-7
22. Mohammadpour, A. (2010).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1402.17.1.2.6]

Quality assessment in qualitative research: principles and strategies of validation and generalizability. *Social Sciences Quarterly*; 17(48): 73-107. [Persian].

23. Najafpour-Moghadam, P., & Mohammadi, Z. (2022). Assessing Multiple Relationships between Dimensions of Social Dignity and Structural, Cognitive and Communicative Dimensions of Social Capital. *Research on Information Science and Public Labraries*; 28 (1), 116-133. [Persian].
24. Narayanan, M & Sriram, S. (2023). An Exploration of Differentiation of Self in Indian Youth. *Human Arenas*. pp 28. doi: 10.1007/s42087-023-00335-9
25. Nichols, M. (2013). *Family therapy: theories, concepts and methods*. Ninth edition. Translators: Dehghani, M.; Ganjavi, A; Mohammadi, S. & Najarian, F. Tehran: Roshd Publications. [Persian].
26. Nilab, R., Ghanbari Hashemabadi, B., & Kimiaei, S.A. (2018). The effectiveness of Bowen's approach on promoting self-differentiation and marital satisfaction in Turkish and Turkmen women. *Clinical psychology research and counseling*; 9(1): 41-57. [Persian].
27. Qaderi, T., Vaddadhir, A.A & Chamani, S. (2011). Empowerment level of married women and related factors. *Sociological studies of Iran*; 2(4): 45-65. [Persian].
28. Rodriguez-Gonzalez, M., Lampis, J; Murdock, N.L., Schweer-Collins, M.L., & Lyons, E. (2020). Couple Adjustment and Differentiation of Self in the United States, Italy, and Spain: A Cross-Cultural Study. *Family Process*; 59(4): 1552–1568. doi: 10.1111/famp.12522
29. Ru Wang, Q.A. (2019). The Connotation and the Development Process of Youth Self-Differentiation. *Journal of Advances in Psychology*; 9(4): 664-670. doi: 10.12677/ap.2019.94082
30. Salehi, K., Bazargan, A., Sadeghi, N., & Shokouhiyekta, M. (2014). Representation of teachers' perceptions and lived experiences of possible damages caused by the implementation of descriptive evaluation program in elementary schools. *Journal of Educational Measurement and Evaluation Studies*; 5(9), 59-99. [Persian].
31. Sarmad, Z; Bazargan, A. & Hejazi. A. (2017). *Research methods in behavioral sciences*. Tehran: Agah Publications. [Persian].
32. Skowron, E. A., Kozlowski, J.M., & Pincus, A.L. (2010). Differentiation, self-other representations, and rupture-repair processes: Predicting child maltreatment-risk. *Journal of Counseling Psychology*; 57(3): 304–316. doi: 10. 1037/ a0020030
33. Šnele, M.S., Janković, I., & Mitrović, M. (2023). Self-differentiation, Resilience, Dissocioation, and Depression As Predictors Of Different Family Roles. *Psychological Applications and Trends*. 75-80. doi: 10.36315/2023inpact016
34. Solgi, M. (2019). The study of the relationship between the dimensions of social identity and the degree of self-differentiation. *Journal of Psychology and Psychiatry of Cognition*; 7(3): 101-111. [Persian].
35. Strauss, A. and Corbin, J. (2021). *Fundamentals of qualitative research: techniques and stages of producing grounded theory*. 9th edition. Translation: Afshar, A. Tehran: Ney Publications. [Persian].
36. Talmon, A. Salomon, N.Sh. & Ginzburg, K. (2020).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1402.17.1.2.6]

Differentiation of the self and the body and adjustment to motherhood – A latent class analysis. *Journal of Affective Disorders*; 276 (July): 287–296. doi: 10.1016/j.jad. 2020.07.093

37. Thomson, R. *(2009). Counseling techniques: improving relationships whit others, ourselves, our families and our enviroment* .First Edition. Translator: Ismaili, M. Tehran: Elmi va Farhangi Publications. [Persian].
38. Walter, O; Shenaar-Golan, V & Routray, S. Cross-Cultural Comparison of How Mind-Body Practice Affects Emotional Intelligence, Cognitive Well-Being, and Mental Well-Being. *Frontiers in Psychology*. 2021; (12): Article 588597. doi: 10.3389/fpsyg.2021.588597
39. Yildiz, B. (2023). Self-differentiation and self-concealment: serial mediation by self-compassion and intolerance of uncertainty. Educational and Developmental Psychologist; 40 (2): 1-11. doi: 10.1080/20590776. 2022.2111210

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1402.17.1.2.6]